

### متن پرسش

سلام و عرض ارادت: استاد عزیز، در بین سؤالات جستجو کردم، دو سؤال مربوط به جریان احمد الحسن بود که متأسفانه اطلاعات نادرستی در سوالات آمده بود. به هیچ وجه خواب و استخاره دلیل مورد ادعای این جریان نیست و این راهها صرفاً به عنوان مؤید استدلالها و شهادت ملکوتی معرفی می شوند. (راه شناخت حجت خدا در بیان این گروه سه چیز است: نص حجت های قبلی، علم و دعوت به حاکمیت الله) عاجزانه خواهش می کنم کمی در استدلالها و کتابهای این فرد وقت بگذارید و ما را در تشویش بزرگی که گرفتارش شده ایم کمک نمایید. آیا کوچکترین احتمالی نمی دهید که شخصی که با وصیت و نص پیامبر اکرم (ص) ادعای یمانی و حجت خدا بودن می کند درست می گوید و اگر او را همراهی نکنیم اهل آتش خواهیم شد؟ آیا خدا باید آن طور که ما می خواهیم و انتظار داریم حجت هایش را ظاهر کند و مثلاً حتماً حجت اش را در ادامه انقلاب و سیر تاریخی علمای ما قرار دهد؟ کوچکترین احتمالی نمی دهید که خدای حکیم برای آزمایش ما و انقلاب ما حجت اش را بگونه ای ظاهر کند که پذیرش اش با تحلیل های دینی (و البته شخصی و قابل خطای) ما منطبق نباشد؟ استاد بزرگوار! بعنوان کسی که نزدیک ۲۰ سال است با کتابها و جلسات شما سر و کار دارد و با مباحث شما متوجه لزوم حضور در عالم دینی و توجه به حضرت حجت به عنوان قلب عالم هستی شده است متواضعانه اعلام می کنم بعد از دهها یا صدها ساعت وقت گذاشتن در استدلالات و کتابهای این جریان، هیچ دلیلی مبنی بر رد آن پیدا نکرده ام و کتابهای جناب احمد الحسن واقعا علمی بالاتر از انسان غیرمعصوم را به ذهن متبادر می کند. بزرگوارتر و آزاد اندیش تر از شما سراغ نداشتم که بدون متهم شدن به ضدیت با فلان و بهمان از او خواهش کنم در این جریان وقت گذاشته و منابعشان را نقد کند. استاد! می دانم سخت است ولی تمنا می کنم این احتمال (فقط یک احتمال کوچک) را بدهید که حجت خدا لزوماً آنگونه که شما و متفکرین انقلابی حال حاضر و گذشته احتمال می دادند و با ادبیات فصوص الحکم یا حکمت متعالیه ظاهر نخواهد شد! همانطور که عده ای از علمای بدلیل اینکه منتظر ظهور عیسی از بیت لحم بودند حجت خدا را که از ناصریه ظهور کرد نپذیرفتند و با این احتمال به بررسی مطالب این جریان بپردازید. با عرض معذرت از درشت گویی های یک شاگرد کوچک.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظرم اگر موضوع را از زاویه دیگری بنگریم پیش نمی آید تا به جزء جزء

پدیده‌ی احمدالحسن بنگریم. مسئله‌ی مهدویت و حضور تاریخی آن حضرت بسیار روشن است و آن برگرداندن حضور خدا در مناسبات فردی و اجتماعی بشر است و به همان معنایی که ما به مهدویت معتقدیم، انقلاب اسلامی را راهی بس زلال به سوی فتح تاریخی حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه الشریف» می‌دانیم. لذا هر راه دیگری با هر عنوان که در سنتِ چنین بستری قدم بر ندارد، همان ملاعمری است که در مقابل امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» عَلم شده است و معلوم است که نه قرضاوی و نه ملاعمر، آدم‌های بی‌سواد و ساده‌ای بودند و نه احمدالحسن. مسئله روشن‌تر از این‌ها است که انسان در دیدن جایگاه تاریخی قرضاوی و احمدالحسن و ملاعمر به تردید بیفتد مگر آن‌که نسبت به درک حضور تاریخی انقلاب اسلامی کودن و اَبَلَه باشد. موفق باشید